

آداب تبلیغ

10- شروع و پایان به نام و یاد خدا:

«إِقْرَأْ أَبْيَاسِمْ رَبِّكَ»(12)؛ «بِهِ نَامْ بُرُورِدَگَارَتْ شُرُوعْ كَنْ.»

«فَإِذَا فَرَغْتَ فَاتَّصَبْ وَ إِلَى رَبِّكَ فَارْغَبْ»(13)؛

«پس هنگامی که از کار مهمی فارغ می‌شوی به مهم دیگری پرداز و به سوی پروردگارت توجه کن.»

«إِذْهَمْ مِنْ سُلَيْمانَ وَ إِذْهَمْ بِسِمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ.»(14)

«بدرستی که این (نامه) از سلیمان است و (مضنون آن) این است : به نام خداوند بخشنده مهربان.»

11- ستایش خداوند و درود بر پیامبر و آللش علیهم السلام :

پیامبرصلی الله علیه وآل‌الله فرمود:

«کل امر ذی بال لا یبدأ فيه بحمد الله و الصلوة علىٰ فهو اقطع ابتر ممحوق من کل بركة»(15)؛

«هر کاری که با ستایش خداوند و درود بر من آغاز نشود گفتاری ناتمام و ناقص است و از هر برکتی محروم است.»

12- متصل به وحی الهی:

«وَ مَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَى * إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْدَهُ
يُوحِى»(16)؛

«(رسول ما) از روی هوای نفس سخن نمی‌گوید، سخن او چیزی جز وحی که بر او نازل شده نیست.»

13- کمل گرفتن از خدا:

«قَالَ رَبِّهِ اشْرَحْ لِي صَدْرِي * وَ يَسِّرْ لِي أَمْرِي * وَ
احْتَلْ عُقُودَهُ مِنْ لِسَانِي * يَفْقَهُوا قَوْلِي»(17)؛

«(موسى) گفت: پروردگارا (اکنون که مرا به کار و مأموریت بزرگ تبلیغ، ارشاد و مبارزه با طاغوت امر فرموده‌ای پس) سینه‌ام را برايم گشاده گردان، (و بر صبر و استقامتم بیفزا) و کارم را برايم آسان فرما، و گره از زبانم باز نما، تا (آن‌ها) سخنان مرا (خوب) بفهمند.»

14- سخن گفتن بر حق:

امام کاظم علیه السلام فرمود: «قل الحق و ان كان فيه هلاک»(18)؛

«حق را بگو، گرچه هلاک تو در آن باشد.»

15- پاک و دلپسند:

«هُدُوا إِلَى الطَّيِّبِ مِنَ الْقَوْلِ وَ هُدُوا إِلَى صِرَاطِ
الْحَمَدِ»(19)؛

«مؤمنان به سخنان پاک و پاکیزه و به راه خدای ستایش شده هدایت شوند.»

«إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلْمُ الطَّبِيبُ»(20)؛ «سخن پاک است که به سوی او (خداآوند) بالا می‌رود. (و پذیرفته می‌شود).»

16- روشن و روشنگر؛

«كَتَابٌ أَزْرَلٌ نَاهٌ إِلَيْكَ لِتُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِ رَبِّهِمْ»(21)؛ «این قرآن کتابی است که ما به سوی تو (ای پیامبر) فرستادیم تا مردم را به اذن پروردگارشان از تاریکی‌ها به سوی نور، (نور خدا) خارج سازی.»

17- جداکننده حق و باطل؛

«وَ أَزْرَلَ الْفُرْقَانَ»(22)؛

«خداآوند فرقان (یعنی: جداکننده حق و باطل) نازل کرد.»

18- نیکو و شایسته؛

«أَدْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحِكْمَةِ وَ الْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ»(23)؛

«(ای رسول ما! مردم را) با حکمت (دلیل محکم) و پند و اندرز به شیوه‌ای نیکو به سوی پروردگارت دعوت کن.»

19- مستدل و منطقی؛

«قُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا»(24)؛

«سخنان محکم، (منطقی و استوار) بگویید.»

20- توجه به عنصر زمان؛

«إِزْمَا أَزْرَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ»(25)؛

«ما قرآن را در شب قدر فرستادیم.»

«فَلَمَّا أَفَلَ قَالَ لَا أَحِبُّ الْأَفْلَانَ»(26)؛

«پس زمانی که (خورشید و ماه و ستاره) غروب کرد (ابراهیم‌علیه السلام) گفت: من چیزهایی که از بین می‌رود (و غروب می‌کند) دوست ندارم.»

21- توجه به عنصر مکان؛

امام صادق‌علیه السلام به شاگرد ممتازش «ابان بن تغلب» می‌فرماید:

«اجلس فی المسجد و افت للناس»(27)؛

«در مسجد بنشین و برای مردم فتوا بد.»

22- نرم و آرام؛

خداآوند خطاب به موسی و هارون‌علیهم السلام می‌فرماید:

«اَذْهَبَا إِلَيْنِي فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغِيَ * فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لَيْسَنَا لَعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشِي»(28)؛

«به سوی فرعون بروید که او طغیان کرده است و با او به نرمی سخن بگویید. امید است که به خود آید (و از خواب غفلت و غرور بیدار

شود) یا (از خدا) بترسد.»

23- سنجیده و حساب شده:

«أَلْحَمْدُ لِلَّهِ الْعَذِيْنَرَأْيَتَ عَبْدَهُ الْكِتابَ وَ لَمْ يَجْعَلْ لَهُ عَوْجَا»(29)؛ «ستایش و سپاس مخصوص خدایی است که بر بندۀ خود کتاب (قرآن) را نازل کرده و برای آن هیچ کثری و انحرافی قرار نداد.»

24- هماهنگ و منظم:

«اللَّهُ زَرَّلَ الْحَدِيثَ كِتابًا مُتَشَابِهًا»(30)؛ «خداوند قرآن را که نیکوترین سخن آسمانی است فرستاده و کتابی است که آیاتش به هم شبیه و هماهنگ است.»

25- تغافل:

زمانی که یکی از برادران یوسف در حالی که او را نمی‌شناخت به او تهمت دزدی زد:

«إِنْ يَسْرِقْ فَقَدْ سَرَقَ أَخْ لَهُ مِنْ قَبْلٍ»؛

«اگر (این برادر ما) دزدی کرد، به تحقیق او برادری هم از قبل داشته (منظورش یوسف^{عليه السلام} است) که دزدی کرده است.»

حضرت (این تهمت را) نادیده گرفت بزرگواری و تغافل کرد:

«فَأَسَرَّهَا يُوسُفُ فِي نَفْسِهِ وَ لَمْ يُبَدِّلْهَا لَهُمْ»(31)؛

«پس این تهمت را یوسف در خود پنهان داشته و به روی آن‌ها نیاورده و اظهار ننمود (که من یوسف هستم و شما تهمت می‌زنید.)»

26- با آهنگ و حرکات مناسب:

علی^{عليه السلام} برای تحریک و تشویق مردم برای جهاد در راه خدا:

«ثُمَّ نَادَى بِأَعْلَى صَوْتِهِ الْجَهَادَ، الْجَهَادَ عَبَادَ اللَّهِ»؛

«سپس (علی^{عليه السلام}) ندا داد به بلندترین صوت خود که بندگان خدا بر شما باد جهاد، جهاد.»

در مورد دیگر در سخنرانی برای شهیدان:

«ثُمَّ ضَرَبَ بِيَدِهِ عَلَى لَحْيَتِهِ الشَّرِيفَةِ الْكَرِيمَةِ فَأَطَالَ الْبَكَاءَ»(32)؛

«سپس دست خود به صورت زده و گریه طولانی نمود.»

27- مختصر و مفید:

امام کاظم^{عليه السلام} می‌فرماید:

«مَنْ مَحَا طَرَائِفَ حِكْمَتِهِ بِفَضْلِ كَلَامِ فَكَأْنَّمَا اعْانَ هَوَاهُ عَلَى هَدْمِ عَقْلِهِ»(33)؛

«هرکس با زوائد سخن خود، شیرینی و زیبایی حکمت را محو کند، گویا بر نا بودی عقل خود اقدام کرده است.»

28- مناسب با مقتضای حال:

«از^{۳۴} معاشر الانبیاء امرنا ان نکل^{۳۵} الم الناس على قدر عقولهم»(34)؛

«ما گروه پیامبران مأموریم که با انسان‌ها به اندازه عقل و درکشان سخن بگوییم.»

29- صریح و قاطع:

«قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ * لَا أَعْبُدُ مَا تَعْبُدُونَ»(35)؛
«بگو: ای کافران، آنچه را شما می‌پرستید من نمی‌پرستم.»

30- رعایت تناسب سن و سخن:

امیرالمؤمنین‌علیه السلام (خطاب به کسی که بالاتر از شأن خود سخن می‌گفت) فرمود:

«لقد طرت شکира و هدرت سقبا»(36)؛ «پر در نیاورده پرواز کردی و در خردسالی آواز بزرگان سردادی.»

31- ساده و روان:

«فَإِذْ مَا يَسْأَرُونَ لَعْلَةً هُمْ
يَتَذَكَّرُون»(37)؛

«ما قرآن را به زبان تو ای رسول آسان (садه و روان) کردیم، امید است که مردم (حقایق آن را) متذکر شوند.»

32- شیوا و رسا:

«قُلْ لَهُمْ فِي أَنْفُسِهِمْ وَوْلَةٌ لِّلِّيغَا»(38)؛
«و آنان را درباره خودشان سخن رسا بگو.»

33- مایه رشد و کمال:

«قالَ لَهُ مُوسَىٰ هَلْ أَتَبْعُلُكَ عَلَى أَنْ تُعَلِّمَ مَمْمَأ
عُلْمَتْ رُشْدًا»(39)؛ «موسی‌علیه السلام به او (حضرت حضرت‌علیه السلام) گفت: آیا به دنبال تو بیایم تا آنچه بر تو تعلیم شده و مایه رشد (و کمال و صلاح) من است به من بیاموزی؟»

34- بشارت و تشویق:

«خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَ تُنْذِكِرُهُمْ
بِهَا وَ صَلِّ عَلَيْهِمْ إِنَّ صَلَوةَكَ سَكَنٌ لَهُمْ وَ
اللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ»(40)؛

«(ای پیامبر) از اموالشان صدقه (زکات) بگیر تا بدین وسیله آنان را (از بخل و دنیا پرستی) پاک سازی و رشدشان دهی و بر آنان درود فرست (و دعا کن) زیرا دعای تو مایه آرامش (و تشویق) برای آنان است و خداوند شنواز داناست.»

35- جامع و متنوع:

علی‌علیه السلام می‌فرماید:

«ان هذه القلوب تملّك ما تملّك الأبدان فابتغوا لها طرائف الحكمة»(41)؛ «بدرستی که قلب‌ها خسته می‌شوند همان گونه که بدن‌ها خسته می‌شوند، پس برای آن‌ها دانش‌های تازه و جالب بطلبید.»

36- هشدار و موعده:

«كَذَّا بِإِلَهٍ فِرِعَوْنَ وَالْأَذْيَنَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَذَّبُوا بِرَايَاتِنَا فَأَخَذَهُمُ اللَّهُ بِذُنُوبِهِمْ وَاللَّهُ شَدِيدٌ الْعِقَاب» (42):

«(شیوه آن‌ها در انکار و تحریف حقایق) همچون شیوه آل فرعون و کسانی است که پیش از آن‌ها بودند، آیات ما را تکذیب کردند و خداوند آن‌ها را به (کیفر) گناهانشان رسانید و او سخت مجازات کننده است.»

37- آزادی:

«... فَإِنْ أَسْتَأْمُوا فَقَدْ أَهْتَدَوْا وَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا عَلَيْكَ الْبَلَاغُ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ» (43):
 «پس اگر تسلیم شدند (و اسلام آوردن) همانا هدایت یافته‌اند، و اگر سرپیچی کردند (نگران مباش، زیرا) وظیفه تو فقط رساندن دعوت الهی است، (نه اجبار و اکراه) خداوند به حال بندگان بیناست.»

- (12) علق، 1.
- (13) شرح، 7 - 8.
- (14) نمل، 30.
- (15) کنز العمّال، ج 1، ص 558.
- (16) نجم، 3 - 4.
- (17) طه ، 25 - 28.
- (18) بحار الانوار، ج 2، ص 79.
- (19) حج، 24.
- (20) فاطر، 10.
- (21) ابراهیم، 1.
- (22) آل عمران، 4.
- (23) نحل، 125.
- (24) احزاب، 70.
- (25) قدر، 1.
- (26) انعام، 76.
- (27) منتهی الامال، ج 2 ، ص 166.
- (28) طه ، 43 - 44.
- (29) کهف، 1.
- (30) زمر، 23.
- (31) یوسف، 77.

(32) نهج البلاغه فيض، خطبه . 181

(33) اصول کا فی، ج 1، ص 17.

(34) ترجمه اصول کا فی، ج 1، ص 27.

(35) کافرون، 1.

(36) نهج البلاغه دشتی، حکمت . 402

(37) دخان، 58.

(38) نساء، 63.

(39) کهف، 66.

(40) توبه، 103.

(41) نهج البلاغه فيض، ص . 1127

(42) آل عمران، 11.

(43) آل عمران، 20.